

# بررسی رویکردهای حاکمیت قانون برای اعمال فیلترینگ در فضای مجازی با بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی

حمید میرزایی: گروه حقوق عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مهدي شعبان‌نيا منصور\*: گروه حقوق عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Email: Mehdi.shabannia@yahoo.com

علي اکبر گرجي آزندرياني: گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

## چکیده

حاکمیت قانون از جمله مفاهیم مهم حقوق عمومی است که در دهه‌های اخیر در محافل حقوقی، سیاسی و حتی اجتماعی مورد استقبال زیادی قرار گرفته است. حاکمیت در فضای واقعی قابلیت تحقق و شناسایی آسان‌تری دارد؛ در حالی که در فضای مجازی به دلیل ویژگی‌هایی چون غیرملموس، الکترونیکی بودن و همچنین بی‌مفهوم بودن عنصر زمان و مکان تحقق حاکمیت به شکل مرسوم آن ممکن نیست. به‌طور کلی ۳ رویکرد حاکمیت قانون در فضای مجازی وجود دارد و نحوه اعمال و تحقق آن به دلیل ویژگی‌های وجودی و ماهیتی فضای مجازی در جوامع مختلف متفاوت و با چالش مواجه است. ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده و نحوه اعمال حاکمیت قانون باعث به‌وجود آمدن تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی شده است.

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف کاربردی از منظر ماهیت داده‌ها کمی و به‌لحاظ روش پیمایشی است. اگرچه مسئله مورد بررسی پژوهش محدود به عرصه مکانی مشخصی نیست و مرتبط با ساختارهای مدیریتی کلان کشور است، اما جامعه آماری آن نخبگان، خبرگان و کارشناسان سازمان‌های حقوقی مرتبط با موضوع پژوهش در استان همدان است. ابزار تحقیق علاوه بر منابع کتابخانه‌ای پرسش‌نامه محقق ساخته بود که اعتبار آن به روش صوری و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شد. یافته‌ها نشان داد که بین رویکردهای سنتی (حقوقی)، جدید یا غیرحقوقی و حقوقی بر مبنای فیلترینگ و اصلاح ساختار فنی اینترنت با کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی رابطه وجود دارد. به بیان دیگر، رویکردهای حقوقی و اعمال حاکمیت قانون در فضای مجازی چه از بعد زمانی و چه رویه‌ای سبب کاهش تنش و بحران‌های اجتماعی می‌شوند.

واژگان کلیدی: حاکمیت قانون، بحران، تهدید اجتماعی، فیلترینگ، فضای سایبری.

## Examining the rule of law approaches to filtering in cyberspace with crises and social threats

Hamid Mirzaei<sup>۱</sup>, Mehdi Shabannia Mansour<sup>\*۲</sup>, Ali Akbar Gorji Azandariani<sup>۳</sup>

### Abstract

The rule of law is one of the most important concepts of public law that has been widely welcomed in recent decades in legal, political and even social circles. Sovereignty in real space is easier to realize and identify, while in cyberspace, due to features such as intangible and electronic, as well as the incomprehensibility of the element of time and place, the realization of sovereignty in its conventional form is not possible. In general, there are three approaches to the rule of law in cyberspace, and how to apply and realize it is different and challenging due to the existential and nature characteristics of cyberspace in different societies. Iran is no exception to this rule, and the rule of law has led to social tensions and crises.

The present study is quantitative in terms of applied purpose, quantitative in terms of data nature and survey in terms of method. Although the research issue is not limited to a specific spatial field and is related to the macro-management structures of the country, but its statistical population is the elites, experts and experts of legal organizations related to the research topic in Hamadan province. The research tool, in addition to library resources, was a researcher-made questionnaire whose validity and reliability were assessed and confirmed using Cronbach's alpha test. The findings showed that there is a relationship between traditional (legal), new or non-legal and legal approaches based on filtering and reforming the technical structure of the Internet to reduce crises and social threats. In other words, legal approaches and the rule of law in cyberspace reduce social tensions and crises, both in terms of time and procedure.

**Keywords:** rule of law, crisis, social threat, filtering, cyberspace

<sup>۱</sup> Department of Public Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<sup>۲</sup> Department of Public Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<sup>۳</sup> Department of Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

قدرت و مشروعیت هر حکومتی از طریق ملاک های متعددی مورد شناسایی قرار می گیرد که مهمترین آن حاکمیت است. حاکمیت در فضای واقعی قابلیت تحقق و شناسایی آسان تری دارد؛ در حالی که در فضای مجازی به جهت غیرملموس و الکترونیکی بودن فضا و بی مفهوم بودن عنصر زمان و مکان تحقق حاکمیت به شکل مرسوم آن ممکن نیست و این فضا اقتضات و ویژگی هایی وجودی و ماهیتی دارد که اساساً اصل تلاش برای تحقق حاکمیت و به رسمیت شناختن آن را با چالش روبه رو کرده است. شناخت و دستیابی به مناسب ترین نحوه اعمال حاکمیت قانون در فضای مجازی کشور از دغدغه های اساسی این روزهاست. آن هم اعمال حاکمیت قانون به گونه ای که باعث تهدید احساس آزادی مردم و از جانب دیگر تهدید امنیت ملی کشور نباشد.

### بیان مسئله

فضای مجازی عرصه ای را فراهم کرده که انسان ها فارغ از محدودیت های زمانی و مکانی می توانند در آن با یکدیگر ارتباط داشته باشند. به دلیل ضعف یا حتی نبود کنترل های رسمی و غیررسمی این فضا پتانسیل بالایی برای دامن زدن به بی ثباتی و ایجاد بی نظمی در اداره کشورها دارد که در چنین شرایطی اعمال حاکمیت قانون در فضای مجازی نقش اساسی ایفا می کند. نظام حقوقی جهانی در حال شکل گیری با رویکرد دخالت حداقلی از نوع سلبی دولت ها در فضای مجازی است. در حالی که در کشور ما به جهت وجود دیدگاه ایدئولوژیک و گزاره های دینی در حاکمیت، دولت مطابق قانون وظیفه دخالت در فضای مجازی را دارد و این تکلیف به ۲ شکل ایجابی؛ با تولید محتوای مفید و شکل سلبی (فیلترینگ)؛ با اعمال نظارت، برقراری و حذف محتویات مضر تبلور پیدا می کند [۱]. ترسیم وظایف قانونی سلبی برای دولت مغانر رویکرد حقوقی جهانی در حال شکل گیری در مورد این فضاست و برای هماهنگی با این رویکرد جهانی شایسته است که از وظایف قانونی سلبی دولت کاسته و به وظایف ایجابی آن برای مدیریت هر چه بهتر فضای مجازی افزوده شود. این امر به واسطه ایجاد حاکمیت قانون در فضای مجازی که از یک سو باعث آشنایی کاربران با حقوق خود و از سوی دیگر با قانونمند و ضابطه مند شدن رفتار دولت ها محقق می شود.

اصطلاح بحران<sup>۱</sup> که از یک واژه طبی یونانی گرفته شده، به شرایط، اوضاع و یا دوران خطرناک و فاقد اطمینانی اطلاق می شود که با آن تعادل ناپدید می شود و از ظهور اجتناب ناپذیر شرایط و اوضاعی جدید خبر می دهد [۲]. بحران اجتماعی عبارت است از به مخاطره افتادن و به هم خوردن تبادل عمومی و زندگی اجتماعی بر اثر اختلالات یا مقتضیات پدیدآمده در جزء یا اجزایی از جامعه که یا بر اثر ناسازگاری سازمان های اجتماعی با یکدیگر و یا به خاطر ناتوانی مؤسسه های اجتماعی در تحقق اهداف ساخت ها و نهادهای اجتماعی به وجود می آید [۳].

بحران اجتماعی سطوحی دارد و شامل آشفتگی اجتماعی، بی سازمانی و انقلاب اجتماعی است. تغییر در ساختارها باعث گسسته شدن رفتار و روابط متقابل می شود و در نتیجه فرآیند جامعه پذیری مختل و غیرمؤثر شده و در قالب بحران اجتماعی ظاهر می شود. همچنین در صورتی که سازگاری سازمان های جامعه کاهش یابد، جامعه دستخوش بحران و آشفتگی اجتماعی می شود؛ ولی اگر سازگاری سازمان های جامعه به شدت رو به زوال رود، در این صورت نظم اجتماعی جای خود را به بی نظمی می دهد و بی سازمانی رخ می دهد. اگر بحران در سطح مؤسسه ها به انهدام ساختار نهادها منجر شود، انقلاب های اجتماعی اجتناب ناپذیر خواهد بود. [۲]

بحران اجتماعی گاهی اوقات فقط جزئی از جامعه را فرا می گیرد و با مسائل اجتماعی خاصی مرتبط می شود (مانند نابسامانی ناشی از کمی دستمزدها) که در این صورت بحران اجتماعی جزئی خوانده می شود که کنترل و هدایت آن توسط نیروی اجتماعی غالب آسان خواهد بود. اما گاهی اوقات بحران اجتماعی عمومی است که در این صورت بر مجموع ساختارها و نهادهای یک جامعه به جهت تأخیر و عدم تطابق آنان با انتظارات موجود در باب پیشروی یک جامعه جدید و مترقی اثر می گذارد؛ مانند دسترسی آزاد عموم مردم به اینترنت و فضای مجازی که به عنوان یک نیاز عمومی تعریف شده و در صورت عدم تأمین این نیاز به خاطر عامیت آن دیگر بحران جزئی نیست که به عنوان جزئی از نیاز یک جامعه تعریف شود؛ بلکه بحران عمومی است. [۳]

بحران اجتماعی عمومی ناشی از آن است که جامعه توانایی سازماندهی حفظ نظم اجتماعی را نداشته و از نیروی درونی برای حل مسائل مرتبط با تطور و توسعه اش برخوردار نیست؛ به عبارت دیگر، خود ساخت بحران زده است و مسائل اجتماعی که مطرح می شوند، چنان گسترده اند که نظم اجتماعی موجود را به مخاطره می افکنند. اگر یک نیروی اجتماعی غالب و موافق دگرگونی ها وجود داشته باشد و از طرفی اصلاحات اجتماعی ضروری و لازم به موقع صورت بگیرند، چنین بحران های اجتماعی گسترده و عمومی را هم می توان کنترل و هدایت کرد [۴].

یکی از راه های کنترل و هدایت بحران های اجتماعی گسترده و عمومی حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون از جمله مفاهیم مهم حقوق عمومی است که ریشه تاریخی در اعصار گذشته دارد و در دهه های اخیر در محافل حقوقی، سیاسی و حتی اجتماعی مورد اقبال بیشتری واقع شده است. حاکمیت قانون به مفهوم تحدید قدرت خودسرانه دولت به منظور حفظ حقوق و آزادی های بنیادین فردی از ارکان اساسی دموکراسی است [۵]. از سوی دیگر در عرصه بین الملل حاکمیت قانون ابزاری در جهت حفظ صلح و امنیت بین الملل و ترویج و اعتلای حقوق بشر و پایبندی ارکان تصمیم گیری به مقررات پذیرفته شده است. با توجه به ساختار و

واقعیت‌های حاکم بر جامعه بین‌الملل مفهوم حاکمیت قانون در عرصه بین‌الملل به صورت متفاوتی از حقوق داخلی اعمال خواهد شد. بر این اساس عناصر حاکمیت قانون از قبیل قطعیت حقوقی، عمومیت قوانین، شفافیت، تساوی در مقابل قانون و ... شایسته است، مطابق واقعیت و ساختار متفاوت نظام بین‌الملل تبیین شوند.

فضای مجازی عرصه نوپایی در زمینه حقوق است. بنابراین هرچ و مرج، بحران و تهدیدهای اجتماعی که ناشی از فقدان حقوق است را به وضوح در آن می‌توان دید. برای کاهش این تهدیدهای اجتماعی، درباره امکان حاکمیت قانون در فضای مجازی گروهی اعتقاد دارند که با احکام سنتی می‌توان ناهنجاری‌ها را هدایت کرد و گروه دیگر هم معتقدند که فقط با سازوکارهای حقوق بین‌الملل است که می‌توان به چنین هدفی دست یافت و فضای مجازی باید ساختار خودتنظیمی پیدا کند؛ اما دسته سوم اعتقادی به ساختار خودتنظیمی ندارند و ضمن ایراد به این موضوع خواهان ایجاد نظارت ساختاریافته بر مبنای ساختار فنی اینترنت در فضای مجازی هستند. ایرادهایی از این دست را می‌توان به این رویکردها وارد کرد که ضمن اینکه هر کدام به دنبال راهی برای حل مشکلات هستند، در عین حال هم می‌توانند فضای مجازی را شبیه دوران قبل از مدنیّت کنند و انسان‌ها با اقدامات شخصی به حق خود نائل آیند. اهمیت این فضا و ضرورت اعمال قدرت بر آن به اندازه‌ای برای صاحبان قدرت روشن است که هر دولتی در پی دست‌اندازی بر آن است. دولت‌ها برای اینکه افراد بیشتری را به انقیاد خویش در آورند، به منظور مبادله عقاید و اطلاعات اقدام به ایجاد و هدایت شبکه‌های اجتماعی می‌کنند و برخی برای مقابله با آن به ایجاد ارتش سایبری یا انسداد (فیلترینگ شدید) درگاه‌های ورود به این فضا دست می‌زنند تا بلکه بتوانند با اقدامات متقابل نقشی را در این دنیای بس آزاد ایفا کنند. اقتصاد، فرهنگ و مذهب هم به تناسب هر یک نقشی را در این فضا برعهده دارند که در این صورت زمینه را برای تقابل بین مردم، حاکمیت و افزایش تنش‌های اجتماعی در جامعه فراهم می‌کنند. بر اساس آنچه گفته شد، محقق درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که رویکردهای حقوقی حاکمیت قانون برای اعمال فیلترینگ فضای مجازی چه رابطه و تأثیری در کاهش بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی دارد؟ آیا بین رویکردهای اعمال‌شده بر فضای مجازی، بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؟

## پیشینه تحقیق

محمد هاشمی در کتاب حقوق بشر و آزادی‌های اساسی [۵] و علی اکبر گرجی در کتاب در تکاپوی حقوق اساسی به هنجارها، آزادی‌های اساسی، نهادهای سیاسی کشور و شیوه‌های مختلف اعمال حاکمیت قانون اشاره کرده‌اند و در مقالات متعددی همین مطالب به شکل دیگری بازنگری و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. ضیایی و شکیب‌نژاد در پژوهش خود که در سال ۱۳۹۶ با عنوان قانون‌گذاری در فضای سایبر: رویکرد حقوق بین‌الملل و حقوق ایران انجام شد، به این نتیجه رسیدند که گرچه توسل به هر یک از روش‌های قانون‌گذاری با اشکالاتی در عرصه اجرا روبه‌روست، در این میان می‌توان رویکردی بینابین را برگزید تا ضمن رفع نواقص دیگر روش‌ها زمینه را برای نیل به تفاهم میان کشورها و گروه‌های فعال در فضای سایبر فعال ساخت. نگرش دولت جمهوری اسلامی ایران اساساً مبتنی بر شیوه قانون‌گذاری ملی است. با این حال عملکرد ایران در سطح بین‌المللی و به‌ویژه در اتحادیه بین‌المللی مخابرات حاکی از پذیرش روش مختلط در قانون‌گذاری در فضای سایبر است [۶].

عباسیان و همکاران در سال ۱۳۹۸ پژوهشی با عنوان چالش‌های مرتبط با نقش دولت در فضای مجازی با روش کیفی و نظریه زمینه‌ای انجام دادند. آنها به اهمیت نظرات، نقش دولت و حکومت در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای حفظ امنیت پرداختند. نتیجه پیاده‌سازی و کدگذاری گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها تعداد ۲۰ مفهوم، ۱۳ مقوله اصلی، ۹ مقوله هسته و یک مقوله هسته نهایی با عنوان پروبلماتیک نقش دولت در فضای مجازی بوده است [۷]. رئیسی و همکاران در سال ۱۳۹۸ به بررسی «آسیب‌شناسی بحران‌های اجتماعی و الزامات سیاست‌گذاری امنیتی در پیشگیری از آن» پرداختند [۸]. در پژوهش دیگری ملک‌زاده و حمانی (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی علل بحران‌های اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول با نگاه به مطبوعات» به نقش و اثر مطبوعات به‌عنوان ابزار اطلاع‌رسانی آن زمان در کاهش یا افزایش بحران‌های اجتماعی اشاره می‌کنند [۹]. درباره موضوع دیگر تحقیق که مربوط به فیلترینگ است، باید گفت: فیلترینگ و پالایش تقریباً با مدت کوتاهی پس از پیدایش اینترنت به‌عنوان یک دغدغه و بعضاً معضل اجتماعی که از حد خود فراتر رفته و با حقوق اساسی مردم در تعارض است، مورد بحث، بررسی و منازعه قرار گرفته است. اولین فردی که به این مسئله توجه کرد، روزایت کانتر نویسنده کتاب پیروزی در فرهنگ دیجیتال فرداست که به انقلاب دیجیتال و تسلط فضای مجازی پرداخته است [۱۰] و مانوئل کاستلز نویسنده چندین جلد کتاب تحت عنوان های عصر اطلاعات [۱۱] و همچنین عصر ارتباطات و پایان هزاره [۱۲] است که به نقش اینترنت در توسعه همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و از جمله حقوق و آزادی‌های مردم اشاره می‌کند و در کنار

آن این ابزار را تهدیدی برای نقض همین موارد می‌داند. همچنین فرانسس کارنکراس در کتاب زوال فاصله‌ها به چگونگی انقلاب اطلاعاتی می‌پردازد و خواستار آن است که شرایط موجود باید با فضای مجازی تلفیق داده شود و در کنار آن باید افزایش آگاهی، سواد رسانه و دیجیتالی‌سازی مردم را هم افزایش داد [۳]. به‌طور کلی اکثر محققان و نظریه‌پردازان دنیا قائل به فیلترینگ حداقلی و محدود هستند و مخالف با سرمدداری اینترنت در دنیا هستند. آنها اینترنت را تهدیدی برای مرزهای واقعی و حاکمیت قانون در کشورها می‌دانند. ترازوی و رجبی در سال ۱۳۹۶ با عنوان بررسی انتقادی حاکمیت حقوقی ساختار فنی اینترنت بر فضای مجازی به حاکمیت حقوقی ساختار فنی اینترنت اشاره کرده و آن را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. عاملی (۱۳۹۰) هم در مقاله‌ای با عنوان قاعده‌های اخلاقی در فضای مجازی و دوجبه‌نگری: دوفضایی شدن مسائل اجتماعی و کدهای اخلاقی به اختصار ظرفیت‌های مجازی، سپس رویکرد دوفضایی و تبیین پارادایمی روش نگاه به مسائل اجتماعی را مورد بحث قرار داده و به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های فضای مجازی و اخلاق پرداخته و در بخش پایانی کدهای اخلاقی برای فضا تبیین و در بخش نتیجه‌گیری به ابعاد واقعی و غیرواقعی جرم و کدهای اخلاقی پرداخته است. درباره مباحث اصلی مطرح‌شده از جمله حاکمیت قانون، بحران‌های اجتماعی و فیلترینگ هرکدام به‌صورت مستقل توسط محققان و اندیشمندان زیادی در قالب کتاب و مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته؛ ولی جنبه نوآوری پژوهش حاضر از آن جهت است که به‌صورت مستقل و یکپارچه به بررسی رابطه رویکردهای حقوقی حاکمیت قانون برای اعمال فیلترینگ در کاهش بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی می‌پردازد.

### مبانی نظری تحقیق

سیاست‌ها و اقدامات فیلترینگ دولت‌ها اغلب بر اساس تصمیمات عجولانه و سلیقه‌ای است و قوانین خاصی برای این سیاست‌ها تدوین نشده و یا اگر قانونی وجود دارد، از استحکام و قدرت سایر قوانین برخوردار نیست. در اکثر کشورهای توسعه‌یافته کاربران شبکه‌های اجتماعی در برابر فعالیت‌های خود در فضای مجازی احساس مسئولیت داشته و از نظر اجتماعی هم امری ناپسند و مذموم است و همچنین در صورت انجام فعالیت‌های غیرقانونی و تعدی به حقوق دیگران مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند. اما در ایران احساس مسئولیت اجتماعی همانند کشورهای توسعه‌یافته وجود ندارد و کار پژوهشی مناسبی هم صورت نگرفته است؛ از این‌رو دولت‌ها در مقابله با تهدیدها و آسیب‌های فضای سایبری اولین اقدامی که انجام می‌دهند، فیلترینگ است که هرچه اعمال فیلترینگ بیشتر می‌شود، بحران‌های اجتماعی و نارضایتی‌ها هم بیشتر می‌شود. یکی از عوامل اساسی تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی در بین مردم و جامعه عدم دسترسی به اطلاعات درست و به‌موقع است که مصادیق بارز و اثرگذار آن اعمال

فیلترینگ گسترده در سطح جامعه است که باعث به‌وجود آمدن شک و گمان‌های متعدد، اطلاعات و اخبار نادرست و چه بسا تحریف‌شده از سوی دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی، افزایش بی‌اعتمادی به دستگاه‌های حاکمیتی و ... شده است. درباره پاسخ به این پرسش که با چه سیاست و قانون مدونی باید اقدام به پالایش و فیلترینگ کرد و حاکمیت قانون بر مبنای چه رویکردهایی می‌تواند باعث کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی شود، پژوهشی انجام نشده است.

### بحران

تنوع در پدیده‌هایی که بحران خوانده می‌شوند، هنوز کمتر از تنوع در تعریف‌هایی است که از این واژه ارائه شده است. دانش پزشکی بحران را «نقطه عطفی در سیر بیماری یعنی وقتی که معلوم می‌شود بیمار نجات خواهد یافت یا خواهد مرد» تعریف می‌کند [۱۳]. دانش روابط بین‌الملل با عنایت به حوادثی مانند بحران موشکی کوبا بحران‌ها را جان‌شین جنگ و نه صرفاً ماجراهای خطرناکی که مقدمه جنگ‌اند، تلقی می‌کند؛ از این نظر کارکرد سیستمی بحران‌ها این است که منازعات بسیار حادی را که قابل حل از طریق دیپلماسی معمولی نبوده و در زمان‌های قدیمی‌تر از راه جنگ حل می‌شدند، بدون خشونت یا صرفاً با حداقل خشونت ممکن فیصله می‌دهند [۱۴].

### تهدید

تهدید نقطه مقابل امنیت است و رابطه معکوس با آن دارد؛ یعنی در صورت شکل‌گیری و توسعه تهدیدها ضریب امنیت ملی کاهش می‌یابد. هرگونه تجاوز به حق حاکمیت دولت‌ها در اداره امور داخلی و خارجی آنها تهدید در برابر امنیت ملی آن کشورها محسوب می‌شود. به عبارتی تهدید امنیت را به چالش کشیده و آن را نفی می‌کند. در واقع امنیت تابع نوع، میزان و شدت تهدید است. ضمناً امنیت و ناامنی را می‌توان ۲ سوی یک پیوستار در نظر گرفت. به‌عنوان مثال هر کشور در هر زمان، بر حسب اینکه در چه نقطه‌ای از پیوستار قرار گرفته، از درجه‌ای از امنیت و ناامنی (تهدید) به‌صورت توأمان برخوردار است. تهدید حالت و یا وضعیتی است که ملت و دولت کشوری نگران از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، خاک و دارایی خود هستند؛ تهدیدها عوامل اساسی سلب آزادی نظام حاکم و مردم برای تعقیب اهداف ملی هستند؛ تهدیدها عوامل تضعیف قدرت و توان ملی کشوری در برابر آسیب‌پذیری‌های داخلی و خارجی هستند و تهدید امنیت ملی به معنای تحلیل بردن توان کشوری برای حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ، ارزش‌ها و منافع مشروع آن است.

از تعریف‌ها این گونه بر می‌آید که بیش از معنای کلمه‌ای آن (اخلال در امنیت، ایجاد خطر، بیم دادن، ایجاد ترس و وحشت)، موضوعات شرایط عینی و ذهنی، کارکردها، فرآیند تهدید، مقاصد و تأثیرات آن مطرح است. در این رابطه می‌توان گفت که تهدید با مفاهیمی از قبیل قدرت ملی، جان مردم، استقلال،



تمامیت ارضی، ارزش‌های معنوی، منافع و استراتژی‌های یک کشور سروکار دارد. [۱۵]. حافظ‌نیا تهدید را یک مقوله ژئوپولیتیک می‌داند که نتیجه تعامل عناصر بنیادین جغرافیا، سیاست و قدرت است. به اعتقاد وی تهدید تحت تأثیر عوامل و شرایط مختلفی نظیر احساس برتری و توانایی به چالش کشیدن حریف، میزان اهمیت بازبزرگ‌تر تهدید شده یا ارزش‌های مورد نظر او برای تهدیدکننده، ارزیابی قابلیت‌ها و توانایی واکنش تهدید شده در برابر تهدیدکننده، موقعیت ژئوپولیتیک تهدید شده در سیستم منطقه‌ای و جهانی، کیفیت شبکه ارتباط او با سایر عناصر سیستم، موقعیت جغرافیایی تهدید شده و انعکاس فضایی بازتاب‌های تهدید، حساسیت ملت‌های طرفین نسبت به همدیگر، میزان ثبات و استحکام سیاسی تهدید شده و تهدیدگر در داخل کشور خود، ساختار سیاسی دولت تهدید شده و نظایر آن شکل می‌گیرد. [۱۶] رویکردها و شیوه‌های مطرح شده در برابر فضای سایبری، بحران‌ها و تهدیدهای سوء آن به شرح زیر است:

**۱- رویکرد سنتی (حقوقی) حاکمیت قانون در فضای سایبری**  
فضای مجازی دنیایی شبیه ماقبل بشر متمدن است و فرق آن با عالم قبل از مدنیت حضور انسان‌هایی است که همچنان در جامعه مدنی و مادی خود زندگی می‌کنند و با این جامعه هم ارتباط دارند. پس عاقلانه است که رفتارشان را با آن جامعه منطبق کنند و به تبع آن قانون داخلی کشورها هم بر فضا حاکم باشد. وظیفه اساسی دولت و بخشی از قرارداد اجتماعی حمایت از ارزش‌های محلی است. به قول هگل دولت باید روح جامعه را دربرگیرد و از اراده جمعی ایشان دفاع کند [۱۷]. از دید اسلام هم احکام ناظر به فضای مجازی متمایز از احکام فضای مادی نیست. [۱۸] شاید به همین دلیل است که برخی صلاحیت سرزمینی را در فضای مجازی حاکم می‌دانند [۱۹]. صلاحیت سرزمینی شامل شاخص‌های ذیل است:

- \* قواعد و قوانین داخلی
- \* سنن، آداب و رسوم محلی
- \* فرهنگ و هنجارهای قومیتی
- \* مذهب و رعایت موازین فقهی و شرعی
- \* روابط اجتماعی و پیشینه تاریخی جامعه
- \* استثنا بودن ارتباطات فراسرزمینی
- \* در نظر گرفتن همه ساختارهای سیاسی و حکومتی که در یک سرزمین حاکم است.

و مواردی از این دست که باید در فضای مجازی هم تصدیق داشته باشد و از این حیث باید محدودیت‌هایی را در اندازه و قواره کشورهای مختلف پذیرفت.

در رویه قضایی هم به همین صورت است؛ در بیشتر مسائل حقوقی به‌ویژه حقوق بین‌الملل خصوصی سرزمین نقطه ثقل است و محل عمل یا واقعه حقوقی برای حل مسئله اهمیت بسیار دارد. [۲۰] یعنی هرگاه بخواهیم مسئله‌ای را به شکل سنتی حل کنیم، باید

محل را بیابیم و اینترنت را با سرزمین خاص یا حاکمیت آن مرتبط کنیم؛ اما در فضای مجازی اقدامات مبدایی دارد که منشأ عمل است و مقصدی دارد که تأثیرگذار است. برای نمونه هرگاه کسی به دیگری توهین کند یا پیام ناخواسته بفرستد، یعنی اینکه از جایی دسترسی به اینترنت دارد. در حقیقت با رویکرد سنتی باید دادگاه و قانون آن مکان را (کشور مبدأ) صالح بدانیم. در جایی دیگر هم ممکن است قانون یا دادگاه مکان متأثر از عمل را (کشور مقصد) صالح به رسیدگی بدانیم. در اینجا است که کارکرد اینترنت با صلاحیت قضایی و سرزمینی هر کشور در تعارض است. بنابراین از آنجا که دسترسی جهانی به اینترنت ذاتاً اثر جهانی دارد و هر کشوری دارای صلاحیت سرزمینی است، پس با این شیوه و رویکرد نمی‌توان کلیت آثار و تبعات فضای مجازی را پوشش داد. در عین حال اگر هم صلاحیت سرزمینی را بخواهیم درباره فضای مجازی بپذیریم، پذیرش صلاحیت قانونی و قضایی کشورهای مبدأ و مقصد گاهی سبب تقلب نسبت به قانون می‌شود.

بدین معنی که اشخاص برای محفوظ ماندن از آثار قانونی اقدامات خویش کشورهای را برای اقدام انتخاب می‌کنند که دادگاه‌ها یا قوانین آن کشور عمل یاد شده را نامشروع نمی‌داند یا حکمی درباره آن ندارد. (به‌عنوان مثال کنوانسیون سازمان ملل متحد در باره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی در بند ۳ ماده ۱۰ خود اصل محل اقامت تجار را پذیرفته است. [۲۱] از این‌رو این موضوع باعث سردرگمی در محاکم و برخورد سلیقه‌ای با کاربران فضای مجازی می‌شود و زمینه را برای شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی فراهم می‌کند. اساس فضای مجازی و توسعه روزافزون اینترنت کاهش بعد زمانی، مکانی و حذف مرزهای سرزمینی و در نتیجه از بین بردن قوانین داخلی کشورهاست. بدین ترتیب نگاه صرف سرزمینی و سنتی به فضای مجازی شاید در کوتاه‌مدت بتواند ضامن ساختارهای حکومتی و هنجارهای جامعه باشد؛ اما در بلندمدت با توجه به رشد فزاینده اینترنت و افزایش کاربران پاسخگو نبوده و به تقابل با این فضا می‌انجامد که این موضوع باعث بروز بحران و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود.

**۲- رویکرد جدید یا غیرحقوقی به فضای سایبری (در نقد حاکمیت قانون و صلاحیت سرزمینی)**

امروزه بخش بزرگی از روابط انسانی به دنیایی کوچ کرده که آن را اینترنت می‌نامیم. بر اساس رویکرد جدید یا غیرحقوقی قواعد موجود حقوقی کشورها که در دنیای واقعی کشف یا نهاده شده، پاسخ نیاز این دنیای نو را نمی‌دهد و توان تنظیم روابط آن را ندارد. رویکردهای تازه عمدتاً با دست گذاشتن به این ویژگی فضای مجازی ناقد حاکمیت قانون داخلی بر فضای مجازی هستند.

چنانچه پیش از این دیدیم، اینترنت در میان ۲ نیرو در کشاکش است؛ نیروهای قدیمی و سنتی سرزمینی بودن که دغدغه نظم عمومی جامعه را دارد و نیروهای

جدید اقتصاد جهانی که در پی کارایی اقتصادی است. [۱۷] بر این اساس ناچاریم پارادایم دوفضایی شدن جهان را به رسمیت بشناسیم؛ زیرا بدون آن نمی‌توان واقعیت‌های فردی و اجتماعی جهان مجازی را بدون توجه به متغیرهای جهان واقعی به درستی دریافت [۱۸]. از این رو و به دلیل ایرادات فراوان نمی‌توان فقط به فکر اعمال حقوق داخلی در این فضا بود. به همین دلیل برخی حقوقدانان اعلامیه استقلال فضای سایبری را تهیه کرده‌اند. [۱۹] این اعلامیه اصرار بر این دارد که حقوق داخلی توان مدیریت اینترنت را ندارد و دخالت او سبب پیچیده شدن و محدودیت افراد برای دسترسی به اینترنت است که این موضوع با سرشت اینترنت سازگار نیست. شاخص‌های مد نظر این رویکرد به‌طور کلی در موارد ذیل خلاصه می‌شوند:

- \* نگاه غیرحقوقی و استقلال فضای مجازی
  - \* بی‌زمانی، بی‌مکانی و نداشتن مرزهای سرزمینی
  - \* عدم توجه به ساختارهای سرزمینی و حاکمیتی
  - \* تفاوت فرهنگی، پویایی و سیالیت فضای مجازی
  - \* حاکمیت قواعد و قوانین بین‌المللی و صلاحیت قضایی در دادگاه‌های بین‌المللی
  - \* اصل بودن ارتباطات فراسرزمینی
  - \* تساوی همه افراد جامعه در برابر ساختار اینترنت
  - \* پذیرفتن پارادایم دوفضایی شدن جهان با اصول و قواعد متفاوت
  - \* مخالف حضور قدرت و فرمان حکومت در اینترنت (عدم دستوری بودن فضای مجازی)
  - \* نگاه غیرحقوقی و استقلال فضای مجازی
  - \* بی‌زمانی، بی‌مکانی و نداشتن مرزهای سرزمینی
  - \* عدم توجه به ساختارهای سرزمینی و حاکمیتی
  - \* تفاوت فرهنگی، پویایی و سیالیت فضای مجازی
  - \* حاکمیت قواعد و قوانین بین‌المللی و صلاحیت قضایی در دادگاه‌های بین‌المللی
  - \* اصل بودن ارتباطات فراسرزمینی
  - \* تساوی همه افراد جامعه در برابر ساختار اینترنت
  - \* پذیرفتن پارادایم دوفضایی شدن جهان با اصول و قواعد متفاوت
  - \* مخالف حضور قدرت و فرمان حکومت در اینترنت (عدم دستوری بودن فضای مجازی)
- از این رو بر اساس این دیدگاه باید دید که آیا حقوق بین‌الملل می‌تواند در این مسیر به ما کمک کند یا خیر؟ در این عرصه از حقوق اگرچه کشورها همکاری اندکی داشته‌اند، می‌توان اسناد بین‌المللی را یافت که ناظر به فضای مجازی است. برای نمونه کنوانسیون جرایم سایبری شامل ۴ نوع جرایم مثل کلاهبرداری رایانه‌ای، جعل رایانه‌ای، جرایم مرتبط با هرزه‌نگاری کودکان و جرایم علیه مالکیت فکری و حقوق مرتبط است. همچنین احکام ناظر به محافظت سریع از داده‌ها و امکان استرداد سبب شده تا این کنوانسیون قلمرو گسترده‌ای داشته باشد [۲۲]. با این حال اقدامات کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌طور کامل و جامع همه

موارد موجود در فضای مجازی را پوشش نداده و از سوی دیگر در سطح کشورها تعارضات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی وجود دارد و حتی در بعضی موارد عمل به آنها از نظر حقوقی امکان‌پذیر نیست؛ از این رو همچنان چالش‌هایی در کشورها جریان دارد.

با همه این تفاسیر بسیاری از حقوقدانان و فعالان اینترنتی دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به این موضوع دارند. برخی مخالف حضور قدرتمند و فرمان در اینترنت هستند و آن را فضای دستوری (یعنی آنچه که در ذات حقوق است) نمی‌دانند و به نظر آنها کاربران بسیاری در این فضا وجود دارد که هریک دارای برنامه، اثر و تأثیرات خاصی هستند و عرف‌ها و رویه‌های آن از فعل و انفعال انسانی حاصل می‌شود، نه فرمان او. [۲۳] به اعتقاد برخی نظریه‌پردازان حقوقی، فضای مجازی فضایی با ویژگی‌های خاص است که در جامعه واقعی امکان بروز ندارد که در این فضا آزادی بدون هرج و مرج و نظم بدون دولت و اجماع بدون قدرت است. [۲۴] در کنار اینکه دخالت خارجی در فضای مجازی مانع جریان آزاد اطلاعات بین میلیون‌ها انسان است، اصولاً دولت توان هدایت آن را ندارد؛ پس قانون‌گذاری هم به معنای واقعی اثرگذار نیست. بر این اساس عرصه اینترنت عرصه حقوق نرم یا حقوق غیررسمی است؛ از این رو می‌توان به دلیل پذیرش گروه‌ها یا افرادی که فاقد قدرت حاکمیتی هستند، نام قواعد خودتنظیم را به آن داد که از ۳ منظر تصویب، بازیگران و نتیجه غیررسمی و غیرالزام‌آورند. [۲۵] در واقع شهروندان این دهکده جهانی خواسته‌اند که دیوارهای آن را بر اساس میل و سلیقه به رنگ دلخواه خود درآورند. در کنار آن گروه دیگر اعتقاد دارند که این نظم خودجوش در فرهنگ بشر سابقه دارد؛ همچنان که زبان انسانی بدون طرح اولیه در روابط بشری، هوش تدریجی اجتماع و نتایج رفتاری شکل گرفته است. حقوق فضای مجازی هم خود می‌تواند چنین باشد. آنان فضای مجازی را با غرب وحشی مقایسه می‌کنند و اینترنت را محصول نظم اتفاقی می‌دانند.

با همه این تفاسیر بیشتر این افراد اعتقاد دارند، نباید انکار کرد که حتی با پذیرش استدلال‌های گفته‌شده این فضا دست کم در مراحل اولیه پیدایش دچار بی‌نظمی است. بنابراین برخی برای نظم دادن به این بی‌سرو سامانی باور دارند که می‌توان بر اساس هنجارهای اجتماعی و تلاش‌های گروه‌های خاص اقدام کرد؛ یعنی در مراحل اولیه شکل‌گیری اینترنت تنظیم روابط آن با مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی با نام قواعد ارتباطات اینترنتی تحقق می‌یابد که خود جامعه آن را تحت تأثیر فشار اعضا اجرا می‌کند. [۲۶] در مقابل این عقاید و استدلال‌ها برخی اعتقاد دارند که نمی‌توان فضای مجازی را به حال خود رها کرد و با توجه به گستردگی این فضا و وجود تهدیدهای بعضاً جبران‌ناپذیر که نمونه آن را در سال‌های اخیر به وفور می‌توان دید (از جمله حمله سایبری ویروس

استاکسنت به تأسیسات هسته ای، کنترل عواطف و احساسات اجتماعی در اغتشاشات که زمینه‌ساز بحران و تهدیدها فراوانی در کشور شده و موارد زیادی از این دست) باید ساختاری را برای آن ایجاد کرد و این فضا را مدیریت کرد؛ در غیر این صورت بازیگرانی در این فضا هستند که ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ... را مورد هدف قرار داده و به مرور باعث به وجود آمدن ناهنجاری‌های اجتماعی و به تبع آن بحران‌های اجتماعی در جامعه می‌شوند.

در کشورهایی که رویکرد بالا را برگزیده اند، ناهنجاری و بحران‌های اجتماعی متعددی از جمله افزایش خشونت، جرم و جنایت، بی‌بندوباری اجتماعی، استحاله فرهنگی و ... دیده شده است [۲۷].

### ۳- رویکرد حقوقی بر مبنای فیلترینگ و اصلاح ساختار فنی اینترنت (در راستای اجرای حاکمیت قانون)

به نظر طرفداران ساختار فنی اینترنت لازم است که به تفسیر گسترده تری از مقررات پرداخت و از همه مهم تر به قانون‌گذاری توجه داشت که اخیراً و با ایجاد فضای مجازی در دنیای انسانی فعال شده است [۲۴]. در واقع ساختارهای دقیق و فنی حاکم بر اینترنت می‌تواند رفتار کاربران را اداره کند و با تغییر این ساختارها می‌توان جلوی بسیاری از اعمال را گرفت؛ یعنی مفهوم کد رایانه‌ای به همان صورت هدایت‌گر رفتار است که کد قانونی چنین می‌کند. برای نمونه فضای مجازی بر فناوری تکثیر همان اثر را دارد که قدرت قانون بر تکثیر غیرمجاز می‌تواند اثر داشته باشد [۲۳].

به نظر بنیان‌گذار عقیده حاکمیت ساختار اینترنت بر فضای مجازی در این فضا نوعی قانون اساسی حاکم است که این قانون متن حقوقی نیست، بلکه روش زندگی است. در واقع همانند قانون اساسی انگلیس، ساختارها و محدودیت‌های اجتماعی و حقوقی برای حمایت از ارزش‌های اساسی در فضای مجازی است [۲۴]. در اینجا بخشی از ساختار فنی اینترنت به تشکیلات آن باز می‌شود. یعنی این تشکیلات اداره اینترنت را در دست گرفته و در ایجاد سایت‌ها و چگونگی تنظیم آن دست برتر را دارد. برخی از این شرکت‌ها مثل شرکت تخصصی نام‌ها و اعداد اینترنتی وابسته به دولت‌هایی همچون ایالات متحده آمریکا هستند و برخی هم خصوصی هستند. با این همه از نظر لسیگ دستان نامرئی فضای مجازی ساختاری را ایجاد می‌کند که مخالف ساختار اولیه آن است [۲۸]. مشکلی که در اینجا وجود دارد، افزایش قدرت حاکمان در مقابل مردم و کنترل بی‌حدومرز این فضا توسط دولت‌هاست که با اصول اولیه حقوق بشر متعارض بوده و بعضاً آن را نادیده گرفته است. به عقیده اکثر حقوقدانان برای جلوگیری از به وجود آمدن این قدرت افسارگسیخته که زمینه تهدیدها و بحران‌های اجتماعی را فراهم می‌کند، باید برای پایش و فیلترینگ آن چارچوب و ضابطه مدون و ثابتی را مشخص کرد. به عقیده آنها کنترل ساختاریافته اینترنت باید بر مبنای حاکمیت

قانون، رعایت اصول اساسی حقوق عمومی و حقوق بشر صورت پذیرد [۲۹]. برای این کار ضرورت قانون‌گذاری و تدوین قوانین مناسب بسیار محسوس است که در تهیه آن نیازمند حضور نخبگان، کارشناسان و افراد صاحب نظر و متخصص در زمینه‌های مختلف (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق، فقه، ادبیات، حوزه‌های مرتبط با کامپیوتر و IT، رشته‌های امنیتی و انتظامی، اقتصادی و سایر تخصص‌های مرتبط بنا به ضرورت) است. در غیر این صورت ایجاد ساختار بدون قانون‌گذاری مناسب باعث جبری شدن رفتار کاربران و در نتیجه دامن زدن به بحران‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. قانون می‌تواند برای حاکمان و سیاست‌گذاران محدوده فیلترینگ را مشخص و تعریف کند و برای کاربران هم مسئولیت اجتماعی و پذیرفتن تبعات اقدامات خلاف هنجارها و ساختارهای قانونی را تبیین کند. برای قانون‌گذاری در حوزه فیلترینگ بر مبنای اصلاح ساختار فنی اینترنت نیازمند رعایت اصول زیر است:

- \* اصل حمایت از حریم خصوصی و ارتقای امنیت
- \* اصل دسترسی همگانی
- \* اصل آزادی اطلاعات
- \* اصل عدم مداخله حداکثری دولت
- \* اصل آزادی اینترنت

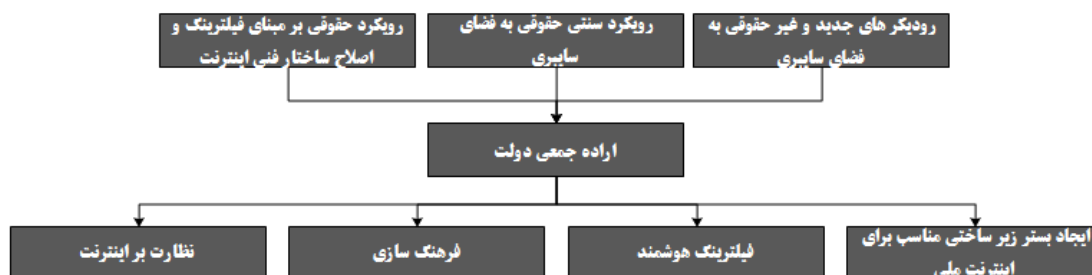
علاوه بر این، برای اصلاح ساختار فنی اینترنت و فیلترینگ هوشمند نیازمند یک نهاد سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر نشأت گرفته از قانون که متشکل از افراد متخصص در همه رشته‌های مرتبط است، هستیم [۳۰]؛ تا به این وسیله هم حضور دولت و نهادهای وابسته به آن کمرنگ شود و هم نقش نهادهای مردمی و صنفی چه در مرحله تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و چه در مرحله اجرا و محدودسازی فیلترینگ بیشتر نمایان شود تا پذیرش برخی محدودیت‌ها برای عموم مردم سهل و آسان شود و از حالت جبری و اقتدارگرایی نهادهای دولتی و حکومتی در جامعه کاسته شود. بر این اساس با توجه به مواردی که گفته شد، شاخص‌های رویکرد یادشده به شرح ذیل است:

- \* اصلاح ساختار فنی اینترنت بر مبنای اصول و ارزش‌های سرزمینی
- \* حاکمیت قانون در بسط و گسترش اینترنت
- \* اعمال قوانین و مقررات داخلی کشور
- \* محدودیت دسترسی به اینترنت
- \* کنترل و مدیریت فضای مجازی بر اساس اصلاح ساختار فنی اینترنت
- \* نظارت ساختاری بر اینترنت و فضای مجازی
- \* پالایش اینترنت و فیلترینگ هوشمند

به عقیده اغلب حقوقدانان اگر رویکرد حقوقی بر مبنای فیلترینگ و اصلاح ساختار فنی اینترنت، به درستی و بر اساس ضوابط و قوانین و مقررات مدون، فارغ از هرگونه برخورد سلیقه‌ای، حزبی، جناحی، منفعت‌طلبی و ... اعمال شود، جلوی حاکمیت اینترنت و فضای مجازی

می شود و به تبع آن باعث کاهش بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی هم در جامعه می شود.

بر کشورها و دولت‌ها که باعث به وجود آمدن حکومت دومی بدون هیچ ساختار و چارچوبی شده است، گرفته



شکل (۱-۱): مدل مفهومی پژوهش بر اساس ادبیات نظری

### روش‌شناسی تحقیق

معرفی کنند. بنابراین نمونه‌گیری تحقیق حاضر ترکیبی از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی بود. ابزار تحقیق علاوه بر منابع کتابخانه‌ای پرسش‌نامه محقق ساخته بود که اعتبار آن به روش صوری (محتوایی) و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است. استخراج شاخص‌ها براساس ادبیات نظری پژوهش شکل گرفت. پرسش‌ها با توجه به متغیرهای مقاله در طیف ۵ گزینه‌ای (از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم) و همچنین تعدادی پرسش باز طراحی شدند. در نهایت اطلاعات به دست آمده طبقه‌بندی، کدگذاری و وارد نرم‌افزار SPSS شدند و از آزمون‌های مقتضی برای ارزیابی فرضیه‌ها استفاده شد.

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، از منظر ماهیت داده‌ها کمی و به لحاظ روش پیمایشی است. اگرچه مسئله مورد بررسی پژوهش محدود به یک عرصه مکانی مشخص نیست و مرتبط با ساختارهای مدیریتی کلان کشور است، اما جامعه آماری آن نخبگان، خبرگان و کارشناسان سازمان‌های حقوقی مرتبط با موضوع پژوهش در استان همدان است که با ۵۰ نفر مصاحبه انجام شد و نتایج مورد بررسی قرار گرفتند. نحوه انتخاب پاسخگویان هم بدین صورت بود که بر اساس سوابق اجرایی، تحصیلی یا فعال مدنی آن حوزه بودن اقدام به گزینش و مصاحبه شد و پس از مصاحبه درخواست می‌شد، اگر متخصصی در این حوزه می‌شناسند هم

| متغیرها                           | تعداد گویه‌ها | ضریب آلفای در آزمون نهایی |
|-----------------------------------|---------------|---------------------------|
| گویه‌های رویکرد حقوقی             | ۵             | ۰/۸۱                      |
| گویه‌های رویکرد سنتی              | ۵             | ۰/۷۸                      |
| گویه‌های رویکرد جدید یا غیر حقوقی | ۵             | ۰/۷۵                      |

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

این میانگین با حد وسط (نقطه برش ۱۵) شاخص متغیرها مقایسه شد تا میزان تفاوت میانگین کاهش بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی در هر رویکرد با حد وسط به لحاظ میزان معناداری بررسی شود. چنانچه مقدار میانگین از معدل مفروض پایین‌تر باشد، بیانگر نقش کمتر آن رویکرد در کاهش بحران و تهدیدهاست که البته معنادار بودن این اختلاف به لحاظ آماری هم بررسی خواهد شد.

### یافته‌های تحقیق

نتایج تحلیل یافته‌ها بیانگر آن است که نیمی از پاسخگویان زن و نیمی دیگر مرد بوده‌اند. درباره تحصیلات آنها هم ۶۴ درصد مدرک کارشناسی، ۲۸ درصد کارشناسی ارشد و ۸ درصد دکتری داشته‌اند. در ادامه با توجه به اینکه برای سنجش میزان تهدیدها در هر رویکرد از ۵ گویه استفاده شده بود، میانگین به دست آمده بر مبنای دامنه ۲۵-۵ (حداقل و حداکثر نمره طبق کدگذاری یک تا ۵) در جدول آمده است.



جدول شماره ۱: آزمون تفاوت میانگین میزان کاهش بحران و تهدیدها در هر یک از رویکرد حقوقی، سنتی و غیرحقوقی

| فرضیه  | میانگین به دست آمده | نقطه برش | مقدار آزمون | Sig.  |
|--|---------------------|----------|-------------|-------|
| کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی در رویکرد حقوقی            | ۱۹                  | ۱۵       | ۱۲,۹۶       | ۰,۰۰۱ |
| کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی در رویکرد سنتی             | ۱۴,۵                | ۱۵       | ۶,۷۱        | ۰,۰۴۳ |
| کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی در رویکرد جدید یا غیرحقوقی | ۱۱,۵                | ۱۵       | ۹,۵۳        | ۰,۰۰۱ |

اگرچه میل به کاهش مشاهده می‌شود، اما این تفاوت محسوس نبوده و به لحاظ آماری هم معنادار نبود؛ اما در رویکرد جدید یا غیرحقوقی، بحران و تهدیدهای اجتماعی افزایش پیدا می‌کند.

### اولویت‌بندی دیدگاه‌های خبرگان درباره راهبردهای کاهش بحران

در اینجا با توجه به اینکه دیدگاه‌های خبرگان در زمینه میزان اثرگذاری ۳ رویکرد در کاهش بحران سنجیده شده، به اولویت‌بندی این ۳ رویکرد از دید آنها هم اقدام شد که یافته‌های آن در جدول زیر گزارش شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در میانگین میزان کاهش بحران و تهدیدها در هر یک از رویکردهای سه‌گانه یادشده با نقطه برش مشاهده می‌شود. به‌صورتی که براساس یافته‌ها، میانگین کاهش بحران و تهدیدها در رویکرد حقوقی یا ساختاری بیشتر از نقطه برش، در رویکرد سنتی نزدیک به نقطه برش و در رویکرد حقوقی کمتر از نقطه برش به دست آمد. به بیان دیگر می‌توان گفت: به زعم کارشناسان و خبرگان مورد مصاحبه در رویکرد حقوقی میزان بحران و تهدیدهای اجتماعی کاهش دارد. در رویکرد سنتی

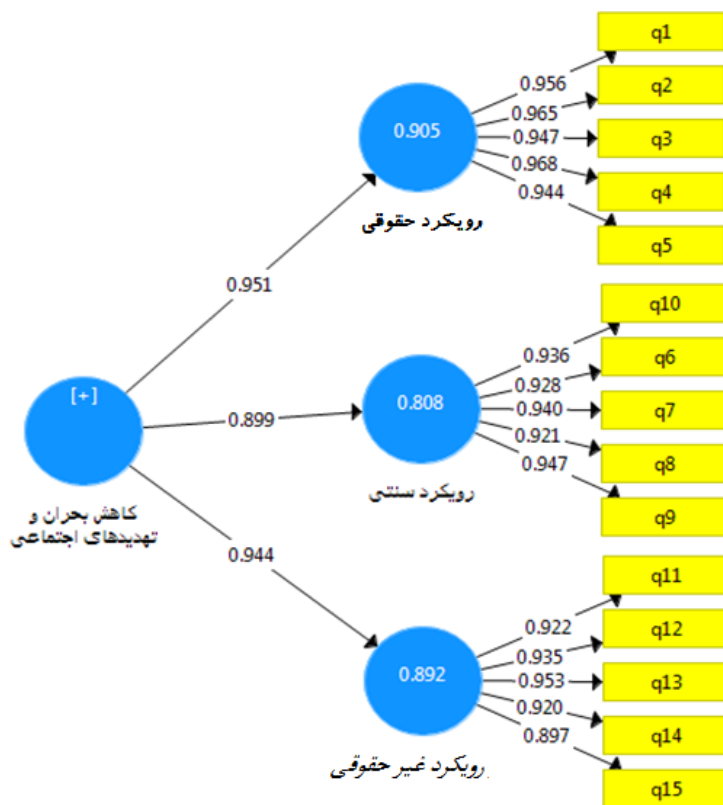
جدول ۲: اولویت‌بندی نقش ۳ رویکرد حقوقی، سنتی و غیرحقوقی در کاهش بحران و تهدیدها

| فرضیه  | میانگین به دست آمده | مقدار آزمون<br>Chi-Square | Sig   |
|--|---------------------|---------------------------|-------|
| کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی در رویکرد حقوقی یا ساختاری | ۱۹                  | ۱۶,۳۷                     | ۰,۰۰۱ |
| کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی در رویکرد سنتی             | ۱۴,۳                |                           |       |
| کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی در رویکرد غیرحقوقی یا جدید | ۱۱,۵                |                           |       |

یافته‌های تحقیق دلالت بر آن دارد که از نظر پاسخگویان رویکرد حقوقی بالاترین اولویت را در کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی نسبت به سایر رویکردها کسب کرده است. در این رابطه می‌توان گفت: رویکرد سنتی در اولویت دوم و رویکرد غیرحقوقی پایین‌ترین اولویت و به نوعی کمترین میزان اثرگذاری را کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی داشته است.

### مدل‌سازی معادلات ساختاری

در این قسمت مدل پژوهش با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال‌اس اجرا شد. بدین‌منظور ابتدا به بررسی روایی همگرا (در سطح معرف؛ از طریق بار عاملی و در سطح عامل به کمک شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده) و در نهایت هم به کمک شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده، به بررسی برازش مدل پرداخته شده است.



مدل شماره (۱): مدل مؤلفه سلسله مراتبی کاهش بحران و تهدیدهای اجتماعی در ۳ رویکرد مختلف

نتایج حاصل از مدل کاهش بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی به شرح ذیل است:

جدول شماره (۲): نتایج حاصل از مدل

| متغیر پنهان                      | رویکرد    | بارعاملی | متغیر آشکار | بارعاملی | متوسط واریانس استخراج شده (AVE) | ریشه دوم میانگین مربعات (SRMR) باقیمانده استاندارد شده |
|----------------------------------|-----------|----------|-------------|----------|---------------------------------|--|
| کاهش بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی | حقوقی     | ۰,۹۵۱    | Q۱          | ۰,۹۵۶    | ۰,۸۵۶                           | ۰,۰۷۴  |
|                                  |           |          | Q۲          | ۰,۹۶۵    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۳          | ۰,۹۴۷    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۴          | ۰,۹۶۸    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۵          | ۰,۹۴۴    |                                 |  |
|                                  | سنتی      | ۰,۸۹۹    | Q۶          | ۰,۹۳۶    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۷          | ۰,۹۲۸    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۸          | ۰,۹۴۰    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۹          | ۰,۹۲۱    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۱۰         | ۰,۹۴۷    |                                 |  |
|                                  | غیر حقوقی | ۰,۹۴۴    | Q۱۱         | ۰,۹۲۲    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۱۲         | ۰,۹۳۵    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۱۳         | ۰,۹۵۳    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۱۴         | ۰,۹۲۰    |                                 |  |
|                                  |           |          | Q۱۵         | ۰,۸۹۷    |                                 |  |

بر طبق اطلاعات جدول بالا نتایج حاصل از بارهای عاملی در متغیرهای آشکار و پنهان مرتبه اول و دوم پژوهش حاکی از این است که میزان بار عاملی همه گویه‌ها بالای ۰,۴ و مطلوب هستند. با توجه به اینکه وقتی که بار عاملی مطلوب است، روایی همگرا در سطح معرف تأیید می‌شود، از این رو در مجموع می‌توان گفت: روایی همگرا ابزار سنجش در سطح معرف (متغیرهای آشکار) مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین در پژوهش حاضر به منظور بررسی روایی همگرا در سطح عامل از شاخص متوسط واریانس استخراج شده استفاده شده است. این شاخص در واقع مشخص می‌کند که مجموع معرف‌های هر یک از متغیرهای پنهان به صورت مجزا چقدر با هم همبسته هستند و هر چقدر که همبستگی بین معرف‌های متغیر پنهانی بیشتر باشد، روایی همگرا با قوت بیشتری مورد تأیید قرار می‌گیرد. همان طور که ملاحظه می‌شود، مقدار شاخص AVE برای همه متغیرهای پنهان پژوهش حاضر بالای ۰,۵ است و از آنجا که روایی همگرا زمانی تأیید می‌شود که مقدار شاخص متوسط واریانس استخراج شده بزرگتر از ۰,۵ باشد، از این رو می‌توان گفت: در مدل اجرا شده بالا روایی همگرا هم مورد تأیید قرار می‌گیرد. به منظور بررسی برازش مدل از شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR) استفاده شده است که می‌بایستی کمتر از ۰,۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰,۰۷۴ است؛ از این رو با توجه به شاخص برازش می‌توان گفت: داده‌های جمع‌آوری شده به خوبی مدل مفهومی را مورد حمایت قرار می‌دهند. به بیانی دیگر می‌توان گفت: مدل تحقیق از برازش مناسبی برخوردار بوده و در نتیجه روابط بین متغیرها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

#### نتیجه‌گیری

انسان‌ها یک‌سری نیازهای فیزیولوژیک (مانند نیاز به غذا، مسکن، پوشاک و ...) و یک‌سری نیازهای ایدئولوژیک (مانند نیازهای مربوط به افکار، عقاید و ارزش‌ها) و به‌طور کلی نیازهای روحی و روانی دارند. اگر ارضای عملی هر یک از نیازها ارضای واقعی و توقع‌های مربوط به نیازها ارضای متوقع نامیده شود، می‌توان با تحلیل مناسبی چگونگی بروز بحران را نشان داد؛ بدین‌گونه که با تأمین نیازهای مادی و معنوی (ارضای متوقع)، بحران و تهدید اجتماعی هم فاصله می‌یابند و اگر نیازهای مادی و معنوی (از جمله دسترسی مردم به اینترنت و فضای مجازی که امروزه به‌عنوان نیاز واقعی در کنار سایر نیازها با زندگی روزمره مردم گره خورده) تأمین نشود، نیاز باقی‌مانده و با مرور زمان، بحران و تهدید اجتماعی هم مدت‌دار می‌شود و هر چه فاصله زمانی در تأمین این نیاز شدیدتر باشد، بحران و تهدید اجتماعی هم شدیدتر خواهد بود.

در عصر حاضر نیاز به اینترنت با توجه به گستردگی و درهم‌پیچیدگی با سایر نیازهای اساسی مردم به‌عنوان یکی از نیازهای مبرم و اصلی شناخته شده که در صورت

عدم تأمین آن باعث به‌وجود آمدن تنش و بحران‌های اجتماعی در جامعه می‌شود. برای دستیابی به این نیاز ابتدا باید ساختار مناسبی را ایجاد کرد و بر اساس آن ساختار به نیازهای مردم پاسخ داد. ایجاد این ساختار مستلزم تصویب قوانین و مقررات مدون در این حوزه است. وقتی که سخن از قانون می‌شود، یعنی همه‌چیز باید از اصول و مبانی خاصی پیروی کند و خارج از آن یعنی بی‌نظمی و ناهنجاری که نیاز به برخورد قهری دارد. اینترنت با همه گستردگی و سرعت فزاینده آن در بین جوامع بشری به‌خصوص در ایران فاقد قانون مدون و مشخصی است و هر گونه سیاست‌گذاری در این باره به‌صورت مقطعی و گذرا بدون ضمانت اجرایی بوده و همیشه به جای سیاست‌های ایجابی به دنبال سیاست‌های سلبی در ایران بودیم. به‌همین منظور برای جلوگیری از این سیاست‌ها که در سال‌های اخیر باعث به‌وجود آمدن بحران و تنش‌های داخلی هم شده، نیاز به حاکمیت قانونی مدون، مستحکم و در عین حال منعطفی است که تغییرات روزافزون اینترنت را مورد توجه قرار دهد. وقتی سخن از حاکمیت قانون است، شیوه‌ها و رویکردهای اعمالی آن هم باید در نظر گرفته شود. در برخی از کشورها که بر اساس دیدگاه‌های سنتی عمل کرده‌اند و اینترنت به‌صورت کلی محدود و بعضاً در بخشی از جامعه غیرقابل دسترس است که این مخالف با حقوق اولیه بشری و اصول حقوق عمومی است. در مقابل این رویکرد عده‌ای عقیده دارند که اینترنت بدون متولی بوده و در هر کشوری با توجه به ساختارهای مردمی و حکومتی هر جامعه باید قائل به خودتنظیمی بودن این فضا شد و با گفتن دلایلی چون آزادی اطلاعات، استقلال فضای مجازی، تساوی برای دسترسی همگانی، بی‌زمانی و بی‌مکانی و نداشتن مرزهای سرزمینی خواهان عدم اعمال هر گونه مقررات در این حوزه هستند و از سویی دیگر اعمال هر گونه مقررات را رفتاری مخالف با ذات حقوق بشر و همچنین ساختار اینترنت می‌دانند و مدعی هستند که دولت‌ها از ترس از دست دادن جایگاه، قدرت، اعتبار و منافعی که در بین مردم به دنبال محدودسازی و دست‌اندازی به این فضا هستند و معتقدند تنها قانون حاکم در این فضا قوانین بین‌المللی است. نمونه این رویکرد را به‌ندرت می‌توان در کشورهای جهان یافت؛ به‌خصوص در کشورهای آمریکایی و اروپایی که عمدتاً با وضع قوانین و مقررات خواهان کنترل این فضا بوده‌اند، این نوع رویکرد اعمال نمی‌شود. در ادامه این ۲ رویکرد، رویکرد سومی هم وجود دارد که خواهان کنترل محدود این فضا بر اساس صرفاً قوانین و مقررات و با توجه به ساختار فنی اینترنت برای فضای مجازی هستند. آنها معتقدند یک‌سری هنجارها و ارزش‌های مورد پذیرش همگان وجود دارد که می‌توان در قالب قانون مدون از طریق ساختار فنی اینترنت بر این فضا حاکم کرد. در نقد ۲ رویکرد (سنتی و جدید) باید گفت: در رویکرد سنتی و صلاحیت سرزمینی با توجه به ساختار فنی

اینترنت و تغییرات چشمگیر فضای مجازی و افزایش کاربران آن در جامعه امکان اعمال محدودیت‌های سرزمینی نیست و باید به پذیرش محدودیت حداقلی راضی شد؛ وگرنه شاید در کوتاه‌مدت بتوان نیاز مردم را تأمین کرد، اما در بلندمدت امکان پاسخگویی به همه خواسته‌ها و نیازهای مردم با این شیوه وجود ندارد و به این وسیله زمینه بروز بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی آرام‌آرام شکل می‌گیرد. همچنین اینترنت یک امر فراسرزمینی است و اشخاص از بیرون می‌توانند بر این فضا تأثیر بگذارند و در داخل از آن متأثر می‌شوند؛ در نتیجه اقدامات مهندسی شده از بیرون از مرزها جامعه را می‌تواند دچار بحران و تنش کند. درباره رویکرد دوم هم با توجه به افسارگسیختگی این فضا و بروز تهدیدهای گسترده از طریق شبکه‌های اجتماعی که منجر به مشکلات اجتماعی، روحی، روانی و حتی شکل‌گیری جرائم شده، امکان استقلال و غیرحقوقی بودن این فضا وجود ندارد و نمونه‌ای از این رویکرد هم در سایر کشورها دیده نمی‌شود. درباره رویکرد سوم هم با توجه به تنها راه حل باقی‌مانده برای کنترل این فضا باید یکسری اصول اولیه مثل اصل حمایت از حریم خصوصی و ارتقای امنیت، اصل دسترسی همگانی، اصل آزادی اطلاعات، اصل عدم مداخله حداکثری دولت، اصل آزادی اینترنت و ... را در اعمال سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها لحاظ کرد و این محقق نمی‌شود، مگر با تصویب و اجرای قانون مجزا و مدون مختص حوزه فضای مجازی که هم حدود مرز حاکمان را مشخص کند و هم مسئولیت و پذیرش اقدامات کاربران را تا برای همگان از این راه حیطه وظایف و اختیارات چه در سطح دولتمردان (سیاست‌گذاران) و چه در سطح آحاد مختلف جامعه (کاربران) مشخص شود. بر این اساس می‌توان میزان بحران‌ها و تنش‌های اجتماعی را به حداقل ممکن رساند. هم‌اکنون در ایران بر اساس ۲ رویکرد سرزمینی و اصلاح ساختار فنی اینترنت توأمان برای تحقق حاکمیت قانون عمل می‌شود؛ اما این حاکمیت ضمن اعمال محدودیت‌های گسترده باعث شده اقتدار حکومت بر قانون‌مداری آن بیشتر غالب شود. به نوعی که با اعمال شیوه‌ها و سلاقی مختلف مدیریت اینترنت از سوی دولت دسترسی برای کاربران کمتر و اقتدار زمامداران برای کنترل آن بیشتر شده؛ در حالی که حاکمیت قانون به مثابه شمشیر تیز ۲ لبه به دنبال محدودیت و همچنین چارچوب‌دار و ضابطه‌مند کردن فضای مجازی برای حاکمان و کاربران است.

با توجه به تحلیل‌ها و نقد ۳ رویکرد سنتی، جدید و حقوقی از میان نخبگان، خبرگان و کارشناسان سازمان‌های حقوقی مرتبط با موضوع پژوهش در استان همدان که همه دارای تحصیلات عالی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) بودند، پرسش‌نامه‌ای طراحی و پرسش‌هایی بر اساس متغیرهای مقاله در طیف ۵ گزینه‌ای (از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم) و همچنین تعدادی پرسش باز طراحی شد. سپس آزمون تفاوت

میانگین انجام شد که خروجی به دست آمده نشان می‌دهد؛ به زعم کارشناسان و خبرگان مورد مصاحبه در رویکرد حقوقی (مبتنی بر اصلاح ساختار فنی اینترنت) رمیزان بحران و تهدیدهای اجتماعی کاهش دارد. در رویکرد سنتی اگرچه میل به کاهش مشاهده می‌شود، اما این تفاوت محسوس نبوده و به لحاظ آماری هم معنادار نبوده؛ اما در رویکرد جدید یا غیرحقوقی بحران و تهدیدهای اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس نتایج پژوهش حاضر روش و رویکرد حاکمیت قانون در فضای مجازی برای اعمال فیلترینگ که از کمترین تبعات و تنش‌های اجتماعی برخوردار است، رویکرد حقوقی مبتنی بر اصلاح ساختار فنی اینترنت در فضای مجازی است که می‌تواند در کاهش بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی هم بسیار مؤثر واقع شود.

### منابع

- [۱] موحد امجد، محمدعلی، (۱۳۹۱)، «اینترنت، محدودیت‌ها (Filtering) و چالش‌ها از منظر فقه و حقوق»، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- [۲] آراسته‌خو، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، تهران، چاپخس، ص ۲۷۵-۲۷۴.
- [۳] کارنکراس، فرانسس، (۱۳۸۴)، زوال فاصله‌ها: چگونه انقلاب اطلاعات زندگی ما را تغییر خواهد داد، ترجمه جهانگرد، تهران، انتشارات شورای عالی اطلاع‌رسانی.
- [۴] بیرو، آلن؛ (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ص ۷۳-۳۴۹-۳۵۰.
- [۵] هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، میزان.
- [۶] ضیایی، سیدیاسر، شکیب‌نژاد، احسان، (۱۳۹۶)، قانون‌گذاری در فضای سایبر: رویکرد حقوق بین‌الملل و حقوق ایران، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۴، شماره ۵۷.
- [۷] عباسیان، کوروش، افشانی، علیرضا و اسلامی، حسین، (۱۳۹۸)، فصل‌نامه پرستار و پزشک در رزم، شماره ۲۲، سال هفتم.
- [۸] رئیسی، محمد، پیشگاه‌هادیان، حمید، ایزدی، جهان‌بخش، جاودانی‌مقدم، مهدی، (تابستان ۱۳۹۸)، آسیب‌شناسی بحران‌های اجتماعی و الزامات سیاست‌گذاری امنیتی در پیشگیری از آن، فصل‌نامه امنیت ملی، تهران، شماره ۳۲، صفحات ۷۵ تا ۱۰۲.
- [۹] ملک‌زاده، الهام، حمانی، کامران، (بهار ۱۳۹۹)، بررسی علل بحران‌های اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول با نگاه به مطبوعات، نشریه مطالعات تاریخ جنگ، اراک، شماره ۱۱، صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۷.
- [۱۰] کانتز، روزابت، (۱۳۸۳)، تحول! پیروزی در فرهنگ دیجیتال فردا، ترجمه عبدالرضا رضایی‌نژاد، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان فرهنگی فرا.
- [۱۱] کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۲)، عصر اطلاعات، ترجمه گروه مترجمان، جلد اول، چاپ سوم، تهران، طرح نو.
- [۱۲] کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۲)، عصر ارتباطات و پایان

هزاره، جلد اول، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی تهران.

[۱۳] فرهنگ لغت وبستر

[۱۴] دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، (۱۳۷۳)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، نشر قومس

[۱۵] سازمان پدافند غیرعامل، ۱۳۸۵

[۱۶] حافظنیا، محمدرضا و یحیی صفوی، شریف مطوف و جلالی، غلامرضا (۱۳۸۸)، «طراحی الگوی نظری آمایش سرزمین با اعمال اصول پدافند غیرعامل»، فصل‌نامه سیاست دفاعی، شماره ۶۹، صفحات ۹-۴۶.

[۱۷] Schultz, Thomas, (۲۰۰۸), "Carving up the Internet: Jurisdiction, Legal Orders, and the Private / Public International Law Interface", *The European Journal of International Law*, vol. ۱۹, no. ۴: pp. ۸۳۹-۷۹۹.

[۱۸] عاملی، سعیدرضا، (۱۳۹۰)، «قاعده‌های اخلاقی در فضای مجازی و دووجهی‌نگری: دوفضایی شدن مسائل اجتماعی و کدهای اخلاقی»، (فضای مجازی، ملاحظه‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی)، زیر نظر یونس شکرخواه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[۱۹] Uerpman-Witzack, Robert, (۲۰۱۰), "Principles of International Internet Law", *German Law Journal*, Vol. ۱۱, no. ۱۱: pp. ۱۲۴۵-۱۲۶۳.

[۲۰] مافی، همایون؛ اسدیان، سودابه، (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «دادگاه صالح در دعاوی ناشی از قراردادهای تجاری الکترونیکی در نظام‌های حقوقی اروپا و آمریکا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره یک.

[۲۱] United Nations Commission on International Trade Law, Explanatory Note by the Uncitral Secretariat on the Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts, United Nations, New York, ۲۰۰۷

[۲۲] دبلفون، زویه لینان، (۱۳۸۸)، حقوق تجارت الکترونیک (همراه با تحلیل قانون تجارت الکترونیک ایران)، ترجمه و تحقیق ستار زرکلام، چاپ اول، تهران: شهر دانش.

[۲۳] Davidson, Alan, (۲۰۰۹), *The Law of Electronic Commerce*, ۱st pub., Cambridge University press.

[۲۴] Lessig, Lawrence, (۱۹۹۹), "The Law of the Horse: What Cyberlaw Might Teach", *Harvard Law review*, vol. ۵۴۶-۵۰۰: ۱۱۳.

[۲۵] Weber, Rolf H, (۲۰۱۲), "Future Design of Cyberspace Law", *Journal of Politics and Law*, vol. ۵, no. ۴: p. ۱۴-۱.

[۲۶] Kulesza, Joanna, (۲۰۱۲), *International internet law*, Routledge.

[۲۷] حسین‌زاده، فهیمه، (۱۳۸۷)، ویژگی و صورت‌بندی

جنبش‌های اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات چالش‌های اجتماعی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، صفحات ۲۳۷ تا ۲۶.

[۲۸] رجبی، عبدالله، ترازوی، نسرين، (۱۳۹۶)، بررسی انتقادی حاکمیت حقوقی ساختار فنی اینترنت بر فضای مجازی، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۰.

[۲۹] استیون هیک، ادوارد، اف هلپین و اریک هوسکینز، (۱۳۹۲)، حقوق بشر و اینترنت، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران، نشر انتشارات خرسندی.

[۳۰] بابازاده مقدم، حامد، رضایی، مهدی (۱۳۹۳)، اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۲.